



یازخوانی آرای دون آیدی/ تکنولوژی شیوه درک ما از جهان و خودمان را متأثر می کند

کتاب پدیدارشناسی تجربی (1989) آیدی درصدد است پدیدارشناسی را با انجام دادن آن و نه صرفاً تشریح آن به دانشجویان تدریس کند. آیدی سعی نمی کند از شرح امّات مبانی پدیدارشناسی فرار کند، اما می کوشد با مثالهای انضمامی ما را در فهم پدیدارشناسی یاری رساند.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه: در کتاب پدیدارشناسی تجربی (1989) آیدی درصدد است پدیدارشناسی را با انجام دادن آن و نه صرفاً تشریح آن به دانشجویان تدریس کند. آیدی سعی نمی کند از شرح امّات مبانی پدیدارشناسی فرار کند، اما می کوشد با مثالهای انضمامی ما را در فهم پدیدارشناسی یاری رساند.

اولین علقه های فکری با تأمل بر صدا خود را نشان می دهد. شیفتگی آیدی به صدا در بسیاری از مقاله های حس و معنی عیان است. اما در شنیدن و صدا: پدیدارشناسی نجوا (2007) است که این توجه و دلبستگی خود را به وفور و وضوح نشان می دهد. در این کتاب وی به تجربه هایی انضمامی چون شنیدن صدای فردی که با ما در حال گفتگوست توجه نشان می دهد. آیدی با این کار می خواهد پدیده حضور زبانی- شنیداری را به عنوان تجربه ای ممتاز مورد توجه قرار دهد. البته طرح وی در این زمینه حتی تاکنون مغفول مانده است و پژوهشگران اندکی به پدیده صدا از این منظر توجه نشان داده اند.

در کتاب پدیدارشناسی تجربی (1989) وی درصدد است پدیدارشناسی را با انجام دادن آن و نه صرفاً تشریح آن به دانشجویان تدریس کند. آیدی سعی نمی کند از شرح امّات مبانی پدیدارشناسی فرار کند، اما می کوشد با مثالهای انضمامی ما را در فهم پدیدارشناسی یاری رساند. در این اثر او با تحلیل ساختار ادراک چند گونه می توانند دیده شوند، نشان می دهد که تحلیل پدیدارشناختی کنشی تجربی است.

آیدی از اولین فیلسوفانی است که تکنولوژی را در امریکا و در جهان انگلیسی زبان به موضوعی نظری و فلسفی بدل کرد. این اتفاق با کتاب تکنیک و پراکسیس محقق می شود که محصول دوره مطالعاتی آیدی در دانشگاه آکسفورد است و در صدد است نقش تکنولوژی را در تبدیل و تغییر ادراک به خصوص در علم و کار علمی بررسی کند. او، با تکیه بر خنثی نبودن تکنیک و خصلت قصدی نسبت ما با ابزار، چارچوبی پدیدار شناختی ارائه می کند که نه تنها قصد توصیف تکنولوژی را دارد، که سعی می کند خطاهای معرفتی شناختی و وجود شناختی دیگر متفکران را در فهم تکنولوژیک نشان دهد.

توجه بیشتر آیدی به نسبت انسان و تکنولوژی باعث تأمل بر رابطه « موقعیت اگزیستانسیال» و « تکنولوژی» می شود. به نظر آیدی، تکنولوژی شیوه درک ما از جهان و خودمان را متأثر می کند. کتاب تکنیک اگزیستانس (1980) بر باز تفسیر انسان از خود با توجه به تکنولوژی متکی است. آیدی در این اثر اهمیت خود آگاهی انسان از خود با نوعی کنش اگزیستانس همراه است که این کنش به جهان توجه نشان می دهد، سپس به آدمی بر می گردد و فهمی از جهان و انسان به وجود می آورد. این خود آگاهی که به نظر آیدی بسیار مهم است در جهان ما به جد از تکنیک متأثر است. پرسش آیدی این است که اگر انسانها و ماشین ها شبیه هم هستند چه چیزی در انسان هست که باعث می شود به صورت اگزیستانسیال پرسش کند. این در حالی است که طرفداران هوش مصنوعی، با از قلم انداختن تمایز میان انسان و ماشین، در معرض خطر تجسد قائل شدن برای تکنولوژی هستند.

معروفترین و مهمترین اثر آیدی در فلسفه تکنولوژی تکنولوژی و زیست جهان (1990) است که، در آن، رویکردی میان فرهنگی درباره زیست جهان تکنولوژی اتخاذ کرده است. آیدی در این کتاب می خواهد خنثی نبودن نسبت های انسان و تکنولوژی را در بستر های مختلف، جغرافیاهای مختلف، سنتها و زمان های مختلف نشان دهد. به نظر وی در یک نکته جای تردید نیست: اینکه همه فعالیت های انسانی با واسطه تکنولوژی صورت گرفته اند. به تعبیر دیگر، فعالیت انسانی به صورت تکنولوژیک تجسد یافته است. این تجسد باعث می شود وی اولین نسبت قصدی میان انسان و جهان و تکنولوژی را نسبت تجسد بنامد. نسبت های دیگر هم نسبت

هرمنوتیکی و نسبت غیریت هستند. این سه نسبت در طیفی پیوسته و در ارتباط نزدیک با هم قرار دارند و به همین دلیل معلوم نیست که چگونه یکی پایان می پذیرد و دیگری شروع می شود. با این همه، می توان در هر یک تمرکز و تأکیدی متفاوت دید.

نسبت تجسد وقتی به وجود می آید که وارد رابطه شفاف با ابزار می شویم و ابزار در نقش بسط دهنده ادراک ما عمل می کند، مانند وقتی که با عینک جهان را می بینیم. کسی که عینکی به چشم می گذارد بعد از مدتی متوجه نیست که عینک دارد، گویی عینک بخشی از چشم وی شده است. در رابطه هرمنوتیکی قابلیت های ادراکی ما افزایش نمی یابد بلکه توانایی های زبانی و تفسیری مان تقویت می شود. در این گستره، تکنولوژی هایی که روابط هرمنوتیکی را سامان می دهند در نقش متن ظاهر می شوند. به تعبیر دیگر، این تکنولوژی ها را باید مانند متن خواند، درست مثل زمانی که دمایی را از دماسنج می خوانیم. یعنی در اینجا کاری تفسیری صورت می دهیم. دو نسبت هرمنوتیکی و تجسد به قابلیت های متفاوتی نیاز دارند. در حالی که هر کودک نیز می تواند از عینک استفاده کند و رابطه تجسد را به وجود آورد، در رابطه هرمنوتیکی به قابلیت ها و مهارت های بیشتری نیاز داریم. در رابطه غیریت نیز وارد فعالیت و کنشی با مصنوعات می شویم که این مصنوعات به صورت «دیگری» ظاهر می شود. هنگامی که داریم بازی رایانه ای می کنیم فضای بازی به جهانی دیگر اشاره نمی کند، با این همه از رابطه تجسد و رابطه هرمنوتیکی در این فضا نیز استفاده می کنیم.

توجه به وجوه فرهنگی تکنیک از تفاوت های مهم تکنیک و پراکسیس و تکنولوژی و زیست جهان است. سفر به برخی کشورهای در حال توسعه محرک نگاشتن کتاب دوم بوده است. با این اثر مذاقه آیدی بر وجوه فرهنگی تکنولوژی شدت می گیرد. بعد از این، در مقدمه ای بر فلسفه تکنولوژی، او سعی می کند دورنمایی از جریانهای فلسفه تکنولوژی کلاسیک و مدرن ارائه کند تا بتواند از بحث چندگانگی فرهنگی دفاع کند؛ کاری که در تکنولوژی و زیست جهان هم انجام داده است.

آیدی در بسط هرمنوتیک و رئالیسم ابزاری سعی می کند تقدم وجودی و تاریخی تکنولوژی را بر علم نشان دهد. این در حالی است که هایدگر تنها در صدد نشان دادن تقدم وجودی تکنولوژی بر علم است و از جنبه تاریخی تأخر تکنولوژی را نسبت به علم مفروض می گیرد. نظر آیدی این است که فلسفه علم کلاسیک از اهمیت و نقش تکنولوژی در علم غفلت کرده است. او با روش پدیدارشناختی می خواهد نقش ابزار در علم برجسته کند. یعنی اگر از نقش فرایند علمی و نقش انسان در آن غافل شویم فراورده علمی فی نفسه (و در مقام نظریه) چیز چندان چشمگیری نیست. آیدی نوعی هرمنوتیک مادی را بسط می دهد تا، با آن، حضور ابزار را به عنوان مؤلفه ای غیر زبانی اما شبیه حضور متن تفسیر کند.